



## نقدی بر یک کتاب بزرگ شده

نام کتاب: رفتارهای سر میزی

نویسنده: جولیا کوک

ترجمه: هایده عبدالحسین زاده

از مجموعه کتاب‌های نردبان

وابسته به انتشارات فنی ایران

قبل از ورود به نقد و بررسی کتاب رفتارهای سر میزی خوب است بدانیم ویژگی‌های یک کتاب خوب برای کودکان چیست؟ در مطالعات فنی و اصولی اصحاب پژوهش، در مورد ویژگی‌های کتاب خوب برای کودکان، موارد بسیاری برشمرده می‌شوند که از میان آن‌ها به این ده نکته که مورد توافق اکثر نویسندگان جهان است، اشاره می‌کنم. در نهایت کتاب رفتارهای سر میزی را با همین ملاک‌ها مورد بررسی قرار می‌دهم.

### ۱۰ ویژگی کتاب مناسب برای کودکان:

۱. تصویرهای کتاب کودک باید لذت‌بخش باشد. چیزهایی که به لذت‌بخش بودن یک کتاب کمک می‌کنند، داستان یا مطلبی آرام و دلنشین است. اما این آرامش مانع از وجود هیجان در کتاب نیست. قطع کتاب می‌تواند عامل جذابیت باشد. تصویرهای کتاب در رأس ایجاد جذابیت هستند. تصویرهای کتاب ممکن است رنگی نباشند و حتی با رنگ‌های جیغ و به اصطلاح شاد رنگ‌آمیزی نشده باشند. آنچه باعث جذابیت تصویرها می‌شود، خیال‌انگیزی آن‌هاست. نتیجه هم‌افزایی این جذابیت‌ها در نهایت به تأثیرگذاری مجموعه آن‌ها بر پرورش ذهن، خیال و سواد مخاطب منتهی می‌شود که می‌تواند ارزش کتاب را معین کند.

۲. کتاب باید طوری باشد که کودک بتواند خودش پاسخ سؤالاتش را در آن بیابد. لزوماً این پاسخ‌گویی نباید آنی باشد. کودک می‌تواند پس از مدتی که توانست محتوای کتاب را هضم کند، به نتیجه یا نتایجی برسد که خودش هم نمی‌داند از کجا به چنین نتایجی دست یافته است. از این‌رو، کتاب‌هایی که به آموزش مستقیم می‌پردازند،

به دست‌های خلاقیت کودک دست‌بند می‌زنند و او را به پذیرنده‌ای بی‌خاصیت تبدیل می‌کنند.

۳. موضوع کتاب باید برای کودک پر از هیجان و حرکت باشد و او را به وجد بیاورد. شگفتی و طنز در کنار ماجراهای هیجان‌انگیز، می‌تواند عامل مؤثری در مناسب بودن کتاب باشد.

۴. کتاب باید بتواند محتوایی آموزشی در دل خود داشته باشد. داستان یا نوشته آموزشی خوب باید بتواند به خواننده نکات اخلاقی، فرهنگی و ارزش‌های مذهبی را به‌طور غیرمستقیم منتقل کند.

۵. کتاب خوب شخصیت‌هایی دارد که در شرایط سخت قادر به تصمیم‌گیری هستند و رفتارشان شجاعانه و اخلاقی است.

۶. کتاب باید فکر و اندیشه، و احساس و خیال کودک را تغذیه کند.

کتاب نباید وسیله وقت‌گذرانی تلقی شود. هیچ کاری برای کودک وقت‌گذرانی محسوب نمی‌شود. کودک از هر کاری و موضوعی برای کاوشگری و کشف پیرامون استفاده می‌کند. بازی‌ها در کودکی پر از لحظه‌های کشف و درک زندگی هستند.

وقت‌گذرانی مال بزرگ‌ترهاست. کودکان هرگز وقت‌گذرانی نمی‌کنند؛ مگر اینکه ما بزرگ‌ترها بخواهیم، و این بزرگ‌ترین خیانت به کودکان است که امکانات کشف و درک هستی را از آن‌ها بگیریم.

۷. کودک حتی از طریق بازی، رابطه‌هایی را کشف می‌کند.

طبقه‌بندی‌ها را می‌شناسد و بسیاری از اصول زندگی را می‌آموزد. کتاب در مرحله‌ای بالاتر از بازی، باید همان نقشی را داشته باشد که

بازی برای کودک دارد. از نگاه نگارنده، کتاب می‌تواند اسباب‌بازی سخنگوی کودک تلقی شود. سخن‌گویی ساکت و بی‌صدا که همچون مرشدی نامرئی کنار کودک زندگی می‌کند و یکی از شخصیت‌های زندگی او می‌شود.

۸. کتاب خوب باید تجربه زندگی‌های دیگر را در اختیار کودک بگذارد. در غیر این صورت، کتاب مثل تماشای گذر یک کبوتر از جلوی چشمان اوست.

۹. محتوای کتاب، اعم از داستانی یا آموزشی و یا اطلاع‌رسانی، باید عاری از نصیحت‌پردازی باشد. کودکان با کتاب‌هایی که محتوای آن نصیحت‌پردازی باشد، ارتباط برقرار نمی‌کنند.

۱۰. کتاب خوب باید نویسنده‌ای کاربلد و تصویرگری شایسته داشته باشد که هم تکنیک روایت را می‌شناسند و هم روانشناسی مخاطب را. نویسنده لازم نیست تخصص روان‌شناسی داشته باشد، اما باید کودک‌شناس باشد و بداند که چگونه باید خیال و احساس کودک را نه در چنگ بگیرد، بلکه پروازش بدهد.

### نگاهی کلی به ماجرای درون کتاب رفتارهای سر میزی

ناشر در ابتدای کتاب نامه نویسنده را خطاب به کودکان، والدین و مربیان منتشر کرده است. در این نامه نویسنده اطمینان می‌دهد که کتابش به کودکان کمک می‌کند که در همه مراحل زندگی از مهارت حل مسئله کمک بگیرند و در شعاری اعلام می‌کند: «برای اینکه به کودکان آموزش بدهیم، باید دنیا را از دریچه دید آن‌ها بنگریم.»

راوی داستان یک میز ناهارخوری است؛ یک میز ناهارخوری

بداخلاق و موعظه‌کننده. در اولین تصویر، میز تابلویی در دست گرفته است و روی آن نوشته: حواست باشد که خوب رفتار کنی. و در سخنانش می‌گوید: من به تو می‌گویم که چطور باشی. در صفحه بعد از آداب نشستن سر میز غذا سخن می‌گوید و کم‌کم شروع می‌کند به امر و نهی کردن: این کار را بکن و آن کار را نکن. بچه‌ها دقیقاً از اینکه کسی به آن‌ها این‌گونه بگوید حواست باشد، دوری می‌کنند. اگر حتی به شکل ظاهری دوری نکنند، از لحاظ عاطفی، از گوینده آن دور می‌شوند. بچه‌ها کافی‌ست بفهمند کسی می‌خواهد به آن‌ها درس زندگی بدهد. به‌طور غریزی راهشان را می‌گیرند و می‌روند.

شخصیت کتاب باید بتواند دست کودک را بگیرد و در خلال ماجراها، خوبی یا بدی رفتارهایی را به او نشان بدهد. نویسنده تا آخر کتاب نکات مهم آموزشی‌اش را با امر و نهی کردن به خواننده دیکته می‌کند. ولی مشکل اصلی کتاب به نظر نگارنده این متن در صفحه ششم بروز می‌کند (کتاب شماره صفحه ندارد):

«اگر رفتار سر میز غذا خوب نباشد، دیگران می‌بینند و از روی همان درباره تو نظر می‌دهند.»

و از همین‌جا کودک را با غلط‌ترین آموزه زندگی آشنا می‌کند. و در واقع قصد دارد به کودک بگوید: کارهای بعدی که باید آن‌ها را انجام بدهی یا ندهی، برای این است که دیگران نظر خوبی درباره تو داشته باشند. این نوع تربیت دقیقاً ریشه بسیاری از مشکلات و اختلالات شخصیتی در بزرگسالی افراد است؛ زندگی برای تأمین نظر دیگران. انجام کارهای خوب برای اینکه دیگران نسبت به ما نظر خوب داشته باشند و نه انجام کارهای خوب برای اینکه انسان باید کارهای درست را انجام بدهد.

در صفحه هفت می‌گوید: «قبل از اینکه پیش من بنشین، دست‌هایت را بشور. نمی‌خواهم میکروب‌هایت روی من پخش بشوند.» احتمالاً نویسنده خواسته طنزی را به کار بگیرد؛ اما طنزی است که جواب مناسبی نمی‌دهد و بیشتر حال خواننده را می‌گیرد. ممکن است در فرهنگ کشوری که نویسنده در آن زندگی می‌کند، جواب بدهد، اما در فرهنگ ما اولین برداشت مخاطب این است که: چه می‌ز لوسی! و همذات‌پنداری مخاطب را با راوی داستان مچاله می‌کند. در اینجاست که نقش مترجم حاذق اهمیت خود را نشان می‌دهد. مترجم باید در برگردان اثر ذوق و فهم مخاطب محلی خودش را در نظر بگیرد. در ترجمه اشکالاتی نظیر آنچه گفته شد وجود دارد که باید یک متخصص ترجمه به آن‌ها بپردازد. اما از منظر نثر و نگارش من می‌توانم بگویم که این متن دچار اشکالاتی است.

نکات آموزشی مندرج در کتاب خوب هستند و لازم است بچه‌ها آن‌ها را بیاموزند؛ ولی بچه‌ها با امر و نهی نمی‌آموزند. بلکه به‌طور غیرمستقیم آموزش بهتری می‌بینند. مثلاً در صفحه ۷ می‌گوید: «می‌دانستی که آداب غذا خوردن خیلی مهم است؟» اول اینکه واژه آداب باید برای بچه‌ها توضیح داده شود. چون واژه‌ای تازه است که محتوای آن را باید برای بچه‌ها شکافت. سپس می‌نویسد: «این آداب فقط مربوط به خوردن نیست. مهربان بودن، ملاحظه بقیه را کردن و توجه داشتن به احساسات دیگران هم جزو این آداب است.»

خب در اینجا نویسنده سه موضوع را پشت سر هم می‌آورد. موضوع‌هایی که برای تثبیت مفهوم در ذهن کودک به توجه بیشتر نیاز دارد. هر کدام از این واژه‌ها باید توضیح داده شوند تا در ذهن کودک بنشینند. ممکن است گفته شود که در بقیه کتاب این‌ها توضیح داده می‌شوند. درست است و تا حدودی هم توضیح داده شده‌اند؛ ولی صفحه‌بند کتاب می‌توانست این سه عبارت را جدا کند و بزرگ‌تر نشان بدهد تا کودک هم بداند این عبارات مهم هستند و بداند که در کتاب با این عبارات بیشتر آشنا خواهد شد. این موضوع نشان می‌دهد که هر کتابی که هر خارجی نوشت، دلیل بر خوب بودن آن نیست.

نکته دیگر این است که ما می‌توانیم از کتاب‌های نویسندگان خارجی استفاده کنیم، اما وقتی داریم مهارت‌های زندگی را می‌آموزیم، باید به بومی‌سازی دست بزنیم. آداب غذا خوردن در سراسر دنیا ممکن است مشابهت‌های زیادی داشته باشند، اما در کشور ما آداب دیگری هم دارد. همان رفتار سر میزی می‌تواند ایرانی باشد. مثلاً شروع غذا خوردن با نام خدا و پایان آن با شکرگزاری. این کتاب و احتمالاً کتاب‌های دیگری از این مجموعه باید گرفتار همین موضوع‌ها باشند. ناشر می‌توانست با همین تصویرها، قصه‌ای مبتنی بر فرهنگ بومی خودمان بنویسد. اگر بحث وفاداری به نویسنده مطرح باشد، این کتاب به هیچ‌وجه کتاب مناسبی نیست. خود نویسنده به شعاری که داده است وفادار نبوده و اصولاً مسئله‌ای در کتاب وجود ندارد که مخاطب با مهارت حل مسئله به حل آن بپردازد. با توجه به نکات گفته شده، این کتاب را برای کودکان معصوم خودمان مناسب نمی‌بینم و امیدوارم ناشران به انتخاب‌های دقیق‌تری دست بزنند. اگر قرار است به ثروت دست بیابند، با اجناس بزرگ شده چنین کاری نکنند.

### نکته پایانی

متأسفانه ناشران عزیز ما متوجه این موضوع نیستند که خارجی‌ها هم کتاب ضعیف تولید می‌کنند و مورد نقد کارشناسان خودشان هستند. امروزه خیلی از ناشرانی که مدعی خرید کپی‌رایت از مؤلفان خارجی هستند، می‌دانند و ما هم می‌دانیم که ارزان‌قیمت بودن برخی تألیفات به این دلیل است که در جهان بازار خوبی ندارند. در واقع بیشتر این آثار اجناسی هستند که یا رایگان‌اند و یا ارزان‌قیمت. ناشران بهتر است از نویسندگان داخلی حمایت کنند که خودی‌ها خیلی بهتر از همکاران خارجی خود می‌نویسند. تأسف بیشتر اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم بی‌توجه به نکات فرهنگی و تربیتی به برخی از این کتاب‌ها بدون توجه به تأثیرات فرهنگی آن مجوز می‌دهد. از سوی دیگر، بازار کتاب‌های مهارت‌های زندگی هم داغ است و ناشران با سرعت و در مسابقه‌ای مثال‌زدنی، بدون توجه به تأثیرات فرهنگی این‌گونه کتاب‌ها، دنبال متن‌هایی هستند که فقط عنوان مهارت‌های زندگی را داشته باشد. عوارض ناگوار این‌گونه کتاب‌ها در سال‌های بعد ظهور و بروز پیدا خواهد کرد.

### کتاب باید

### بتواند محتوایی

### آموزشی در

### دل خود داشته

### باشد. داستان یا

### نوشته آموزشی

### خوب باید بتواند

### به خواننده نکات

### اخلاقی، فرهنگی

### و ارزش‌های

### مذهبی را به‌طور

### غیرمستقیم

### منتقل کند